

11th International Conference on Language , Literature , Culture and History Studies



بازبینی چگونگی گفتاشنود دلدادگی و صحنه های عاشقانه در رمان کلیدر

زینب میرزایی

(دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات)

معصومه غیاثوند

(دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات)

چکیده

"کلیدر" روایت و بازآفرینی عشق است و از این روست که محمود دولت آبادی این گوهر یگانه‌ی عاشقانه‌اش را پیشکش عاشقان کرده است. دولت آبادی حساسیت شاعرانه و قدرت تخیل کم‌مانندی را در نثر خود مهار کرده و در خدمت حکایت گماشته است. حکایتی که افراد و وقایع آن خاکی و حقیقی‌نما هستند ولی وصف آنها ما را به عالمی شاعرانه و خیال‌انگیز می‌برد. دولت آبادی با دلیری در به کار بردن زبانی که آکنده به ترکیبات بدیع و ابتکاری و تعبیرات نوین و لغات و اصطلاحات محلی است به بالیدن و توسعه زبان ادبی فارسی کمکی شایان کرده است. این لغات به نحوی نمایشی کنار هم قرار گرفته اند و توانسته اند تصویرسازی زنده ای از روستا و دلدادگی روستایی و زندگی جاری در آن بسازند. گفتگوهای کاملاً زنده و نمایشی که رمان را ملموس و باور پذیر و زنده در مقابل چشمان تماشاچی به تصویر کشیده است.

. در این مقاله تلاش داریم تا با ارائه ی نکاتی درباره‌ی ویژگی های بیان، گفتگو و صحنه پردازی نمایشنامه ای، برخی قسمت های کلیدر را در این زمینه مورد توجه قرار دهیم. مشخص است که دولت آبادی در کلیدر، صحنه ها و گفتگوهای خود را زنده و پویا به نمایش کشیده است به گونه ای که گویا وی نمایشنامه نوشته و بازیگران در حال اجرای نمایشنامه هستند. این نکته، هنر والای نویسنده را به رخ می کشد و گفتگوها و شخصیت های زنده را قابل باور و ملموس به تصویر در می آورد. توجه به این گونه مقاله ها سبب می شود تا نویسندگان جوان با رویکردهایی تازه در نزدیک شدن هر چه بیشتر نمایشنامه و داستان آشنا شوند.

کلمات کلیدی:

کلیدر، گفتاشنود، صحنه، دلدادگی